

تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی

دکتر کاوه مهرانی*

محمدحسین صفرزاده**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱

چکیده

این مقاله با استفاده از تحلیل داده‌های تلفیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود می‌پردازد. نمونه این تحقیق را ۱۱۷ شرکت ایرانی برای دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۶ تشکیل می‌دهد. مطالعات گذشته از جایگزینهای متعددی برای حاکمیت شرکتی استفاده کرده است اما این تحقیق از رویکردی چندبُعدی و ترکیبی به منظور اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی بهره می‌گیرد. همچنین کیفیت سود نیز به هفت شیوه اندازه‌گیری شده است. نتایج تجربی حکایت دارد که حاکمیت شرکتی با معیارهای کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، هموارسازی سود و محافظه‌کاری سود، ارتباط منفی معنادار و با معیارهای توان پیش‌بینی سود و بموقع بودن سود، ارتباط مثبت معنادار دارد اما با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد؛ به عبارت دیگر، رابطه بین کیفیت سود و حاکمیت شرکتی، تک‌بُعدی نیست و لذا نمی‌توان به‌طور کامل یکی از دو فرضیه رقیب نظارت یا اطمینان را پذیرفت. علاوه بر این با تفکیک شاخص حاکمیت شرکتی به اجزای تشکیل‌دهنده از توان توضیح‌دهندگی الگوها کاسته می‌شود. انجام، رابطه بین حاکمیت شرکتی و معیارهای چندگانه کیفیت سود در صنایع مختلف یکسان نیست.

* استادیار حسابداری دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران

نویسنده مسئول مقاله: محمدحسین صفرزاده (Email: hosein470@gmail.com)

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، حاکمیت شرکتی، فرضیه نظارت، فرضیه اطمینان.

مقدمه

سود به عنوان یکی از مهمترین شاخصهای حسابداری است که همواره برای مقاصد مختلفی نظیر ارزشگذاری سهام، ارزیابی عملکرد مدیریت شرکتها و مواردی از این قبیل مورد توجه بوده است. تا چند سال اخیر، اغلب پژوهشهایی آینده که در زمینه تأثیر سود حسابداری بر قیمت یا بازده سهام صورت گرفته به کیفیت سود توجه چندانی نکرده است. وقوع بحرانهای مالی در سالهای اخیر سبب نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد و اعتبار سامانه گزارشگری مالی در جلب اعتماد عموم را خدشه‌دار ساخت. به دنبال این رسواییهای مالی، پژوهشگران و تحلیلگران مالی نیز توجه خود را از تأکید صرف بر رقم سود به سوی کیفیت سود معطوف کردند.

سودهای کم کیفیت می‌تواند سبب تخصیص ناکارآمد منابع و در نتیجه انتقال نامناسب ثروت شود (شیپر و وینسنت^۱، ۲۰۰۳). در این راستا دستیابی به کیفیت مطلوب سود، نیازمند وجود ساز و کارهایی خاص است که بیشتر کشورها تلاشهایی را برای فراهم کردن این - گونه ساز و کارها انجام داده‌اند. از جمله این ساز و کارها، بودن سامانه حاکمیت شرکتی مناسب در سطح شرکتها و بنگاههای اقتصادی است که بیشتر کشورها به تقویت و بهبود آن همت گمارده‌اند؛ به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا، که خاستگاه اصلی رسواییهای مالی بود، قانون سرینز آکسلی (۲۰۰۲) مورد تصویب قرار گرفت. در این راستا در کشورهای دیگر نیز قوانینی در زمینه مورد بحث وضع کردند که از آن جمله می‌توان به گزارش کدبری (۱۹۹۲) و گزارشهای هیگز و اسمیت (۲۰۰۳) در بریتانیا، گزارش کمیته دی (۱۹۹۴) در کانادا، گزارش کاردون (۱۹۹۵) در بلژیک، و اشاره کرد.

بخش عمده این ساز و کارها بر این تأکید دارند که بودن سامانه حاکمیت شرکتی نیرومند و مستحکم در شرکتها، رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می‌کند. بنابراین، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی (بوژه سودهای حسابداری) بهبود

خواهد یافت؛ در نتیجه موجبات اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه فراهم می‌شود. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که: «آیا بودن سامانه حاکمیتی نیرومند و مستحکم در شرکتهای ایرانی می‌تواند سبب ارتقای کیفیت سود شود یا خیر؟ پاسخگویی به این سؤال، تأیید یکی از دو فرضیه رقیب در خصوص رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود نیز به شمار می‌آید. این دو فرضیه رقیب عبارت است از: فرضیه نظارت یا تطابق و فرضیه توازن یا اطمینان (نیتکین، ۲۰۰۷). بر اساس تبیین نخست عنوان می‌شود که کیفیت سود با حاکمیت شرکتی رابطه مثبت دارد. این فرضیه پیشنهاد می‌کند که ساختارهای حاکمیت شرکتی قویتر به نظارت بهتر منجر می‌شود و در نتیجه کیفیت سود بهبود می‌یابد. اما بر اساس تبیین دوم عنوان می‌شود که حاکمیت شرکتی و کیفیت سود ارتباط معکوس دارد. بر این اساس، مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکتهای با کیفیت سود کم، به دستکاری عوامل حاکمیت شرکتی اقدام می‌کنند تا از این طریق نظر سهامداران را جلب کنند و به آنها اطمینان دهند. در این فرضیه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، توان جایگزینی دارد و برای دستیابی به یکی، باید از دیگری صرف‌نظر کرد.

این مطالعه از شاخص ترکیبی و چندبعدی (که عوامل آن با محیط ایران متناسب است) برای عملیاتی کردن حاکمیت شرکتی استفاده می‌کند. هم‌چنین کیفیت سود با استفاده از هفت معیار (پایداری سود، توان پیش‌بینی سود، کیفیت اقلام تعهدی، هموارسازی سود، ارتباط ارزشی سود، بموقع بودن سود و محافظه‌کاری سود) اندازه‌گیری شده است تا بررسی جامعی از ارتباط این متغیر با حاکمیت شرکتی صورت گیرد. یکی دیگر از نوآوریهای این مطالعه، توجه نکردن به مطالعات داخلی و حتی مطالعات خارجی (استفاده از شاخص ترکیبی برای حاکمیت شرکتی و عملیاتی کردن کیفیت سود از زوایای مختلف) به زمینه مورد بحث است.

با در نظر گرفتن مبانی نظری، تحقیقات گذشته و نتایج آنها، که در ادامه خواهد آمد، هدف اساسی از تحقیق، تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و معیارهای مختلف کیفیت

سود است. با توجه به هدف تحقیق، دو فرضیه به شرح زیر مطرح شده است تا در محیط ایران مورد آزمون قرار گیرد:

فرضیه اول: بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود ارتباط معناداری هست.

فرضیه دوم: نتایج رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با استفاده از معیارهای مختلف، یکسان نیست؛ به عبارت دیگر، هر یک از معیارهای کیفیت سود از زاویه‌ای خاص این موضوع را بررسی می‌کند.

مروری بر پیشینه تحقیق

مطالعات درباره رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد: (۱) مطالعاتی که به بررسی رابطه بین ساختارهای مختلف حاکمیت شرکتی و تقلب در گزارشگری مالی می‌پردازند. (۲) مطالعاتی که بر رابطه بین جنبه‌های خاص حاکمیت شرکتی و تمایل مدیران به مدیریت سود تأکید دارند. (۳) مطالعاتی که به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت اعداد و ارقام حسابداری (بویژه سودهای گزارش شده) می‌پردازند (دی، ۲۰۰۵). این تحقیق همانند تحقیقات گروه سوم به بررسی رابطه بین کیفیت سودهای گزارش شده و حاکمیت شرکتی در ایران می‌پردازد. این مطالعات به سه گروه طبقه‌بندی شده است. در گروه نخست به مطالعاتی اشاره شده است که به یک یا چند عامل حاکمیت شرکتی توجه کرده است (تحقیقات انجام شده در ایران در این دسته جای می‌گیرد). در گروه دوم به بررسی مطالعاتی پرداخته شده که حاکمیت شرکتی را از دیدگاهی چندبعدی بررسی کرده است. در گروه سوم مطالعات نیز نقش وضع قوانین حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود مورد بررسی قرار گرفته است. سه گروه مطالعات و نتیجه آنها در جدول شماره یک آورده شده است.

جدول شماره ۱: مطالعات درباره موضوع تحقیق

الف) مطالعاتی که به یک یا چند عامل حاکمیت شرکتی و ارتباط آن با معیارهای کیفیت سود پرداخته است:		
نویسندگان	سال	نتایج
جوزف و وانگ ^۲	۲۰۰۲	مالکیت متمرکز و ساختارهای هرمی سبب ایجاد تضاد منافع بین سرمایه‌گذاران و مالکان می‌شود و در نتیجه، کیفیت سود کاهش می‌یابد.
بیکز و همکاران ^۳	۲۰۰۴	شرکتهایی که تعداد اعضای بیرونی هیئت‌مدیره آنها بیشتر است با احتمال بیشتری به محافظه‌کاری در ارائه سود اقدام می‌کنند.
همیلتون و همکاران ^۴	۲۰۰۵	تغییر شریک مؤسسه حسابرسی با اقلام تعهدی کمتر (کیفیت سود بیشتر) در ارتباط است. گزارشگری محافظه‌کارانه پس از چرخش شریک مؤسسه حسابرسی افزایش می‌یابد.
لین و همکاران ^۵	۲۰۰۶	بین اندازه کمیته حسابرسی و تجدید ارائه سود (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود) رابطه مثبت معناداری هست.
وانگ ^۶	۲۰۰۶	به طور کلی، مالکیت خانوادگی با کیفیت سود ارتباط غیرخطی دارد. میزان اقلام تعهدی غیرعادی و محتوای اطلاعاتی سود دارای رابطه منفی معنادار با استقلال مدیران، میزان همسویی پاداش مدیریت با منافع سهامداران، و حقوق سهامداران است.
پرگولا ^۸	۲۰۰۶	هر دو دسته مدیران (مدیران مستقل و مدیران مالک) می‌توانند فرصت‌طلبی کنند و کیفیت سود را کاهش دهند.
کیم و یی ^۹	۲۰۰۶	با جدایی بیشتر کنترل از مالکیت، تمایل سهامدار کنترل‌کننده برای مدیریت سود افزایش می‌یابد.
بارنز و کدیا ^{۱۰}	۲۰۰۶	طرحهای اختیار خرید سهام در مدیران انگیزه فرصت‌طلبی ایجاد می‌کند و این موضوع سبب کاهش کیفیت سود می‌شود.
سرنیدی و گول ^{۱۱}	۲۰۰۷	مبالغ پرداختی به حسابرس بابت خدمات غیر اعتباردهی با اثر منفی معنادار بر کیفیت اقلام تعهدی است.
احمد و دولمن ^{۱۲}	۲۰۰۷	درصد اعضای اجرایی هیئت‌مدیره با محافظه‌کاری ارتباط منفی دارد. درصد مالکیت مدیران غیراجرایی با محافظه‌کاری ارتباط مثبت دارد.

جدول شماره ۱: مطالعات درباره موضوع تحقیق (ادامه)

نویسندگان	سال	نتایج
هاشم و دوی ^{۱۳}	۲۰۰۷	بین درصد مدیران مستقل غیراجرایی و کیفیت سود ارتباط معنادار نیست. بین میزان مالکیت خانوادگی و کیفیت سود ارتباط مثبت معنادار هست. بین مالکیت نهادی و کیفیت سود ارتباط مثبت معنادار هست.
دویل و دیگران ^{۱۴}	۲۰۰۷	هر چه کنترل‌های داخلی ضعیفتر باشد، کیفیت سود نیز کمتر است.
گول و همکاران ^{۱۵}	۲۰۰۷	شرکت‌هایی که حداقل یکی از اعضای هیئت‌مدیره آنها زن است، کیفیت اقلام تعهدی بیشتر و مدیریت سود کمتری دارند. ضمناً این روابط با افزایش تعداد مدیران زن در هیئت‌مدیره بهبود می‌یابد.
کریشان و پارسونز ^{۱۶}	۲۰۰۸	سبک مدیران مالی بر استراتژیهای گزارشگری مالی اثرگذار است. مدیران مالی مسن‌تر در تصمیم‌گیری در مورد استراتژیهای گزارشگری مالی، محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند.
جی و همکاران ^{۱۷}	۲۰۰۸	هر چه مدیر عامل مشهورتر باشد، کیفیت سود کم‌تر است.
گیگر و نورث ^{۱۸}	۲۰۰۶	کیفیت سود ارتباط مثبت اندکی با فعالیت‌های هیئت‌مدیره دارد اما ارتباطی با اندازه و ترکیب هیئت‌مدیره ندارد. هیچ‌یک از متغیرهای مرتبط با کمیته حسابرسی، ارتباط معناداری با کیفیت سود ندارد. مالکیت خانوادگی با کیفیت سود ارتباط مثبت دارد.
فرانسیس و همکاران ^{۱۹}	۲۰۰۸	مالکیت مدیران با محافظه‌کاری در ارائه سود ارتباط منفی دارد.
مایورال و سگورا ^{۲۰}	۲۰۰۸	شرکت‌هایی که سهامدار آنها بخش خصوصی است در مقایسه با سایر شرکتها از کیفیت سود بیشتری برخوردار است.
لافوند و روی‌چادوری ^{۲۱}	۲۰۰۸	شرکت‌های با مالکیت خانوادگی و یا شرکت‌های با مدیران سهامدار در مقایسه با سایر شرکتها کیفیت سود کمتری دارد.
ماچوگا و تیتل ^{۲۳}	۲۰۰۹	از طریق سهامدار نمودن مدیران نمی‌توان منافع مالکان و مدیران را همسو کرد. یعنی کیفیت سود با مالکیت مدیران ارتباط معنادار منفی دارد.
پرگولا و همکاران ^{۲۴}	۲۰۰۹	

جدول شماره ۱: مطالعات در مورد موضوع تحقیق (ادامه)

نویسندگان	سال	نتایج
ساه ^{۲۵}	۲۰۰۹	شرکتهای با سامانه دو ردیفی هیئت مدیره، تمایل دارند که اندازه هیئت مدیره بزرگتری داشته باشند؛ تعداد مدیران داخلی کمتری در هیئت مدیره داشته باشند؛ مالکیت مدیران بیرونی در هیئت مدیره کمتر، و پیچیدگی عملیاتی بیشتر باشد. نگاه بازار سرمایه به شرکتهای دارای سامانه دو ردیفی به گونه ای است که کیفیت سود آنها را در مقایسه با سایر شرکتها بهتر می داند.
مشایخ و اسماعیلی	۱۳۸۵	بین کیفیت سود و عوامل تعداد مدیران غیرموظف و درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره رابطه معناداری وجود نیست.
آقای و چالاکی	۱۳۸۸	بین عوامل مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود ارتباط منفی معناداری هست. بین سایر عوامل حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیئت مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیر عامل) با مدیریت سود ارتباط معناداری وجود نیست.
مرادزاده و دیگران	۱۳۸۸	بین سطح مالکیت نهادی و تمرکز آن با مدیریت سود ارتباط منفی هست.
فروغی و احمدی	۱۳۸۹	شرکتهایی که ترکیب سهامداران آنها عمدتاً متشکل از سهامداران نهادی است در مقایسه با شرکتهایی که ساختار مالکیت آنها عمدتاً دربردارنده سهامداران انفرادی است، کیفیت اقلام تعهدی بیشتری دارند.
ستایش و همکاران	۱۳۸۹	کیفیت حسابرسی درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و مالکیت نهادی بر هموارسازی سود مؤثر اما استقلال هیئت مدیره تأثیری بر آن ندارد.
نصرالهی و عارف منش	۱۳۸۹	با افزایش نسبت مالکیت سهامداران نهادی، کیفیت سود افزایش می یابد که این موضوع به معنای ارائه اطلاعات صادقانه، مربوط، و بموقع است. هم- چنین تمرکز مالکیت سهامداران نهادی باعث کاهش کیفیت سود می شود.
کرمی و همکاران	۱۳۸۹	بین درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره و سرمایه گذاران نهادی با محافظه کاری، ارتباط مثبت و بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره و محافظه کاری رابطه منفی هست.
بادآور و همکاران	۱۳۹۰	بین مالکیت سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت و استقلال اعضای هیئت مدیره با محافظه کاری ارتباط معناداری نیست.

جدول شماره ۱: مطالعات در مورد موضوع تحقیق (ادامه)

نویسندگان	سال	نتایج
دی ^{۲۶}	۲۰۰۵	برای شرکتهایی که بیشترین میزان هزینه نمایندگی را دارند، بخش عمده عوامل حاکمیت شرکتی با رابطه مثبت معنادار با کیفیت سود است اما برای شرکتهایی که هزینه نمایندگی کم دارند، این گونه نیست.
نیتکین ^{۲۷}	۲۰۰۷	شرکتهای با ساختارهای حاکمیتی قوی تر از کیفیت سود بیشتری برخوردارند. تغییر در سطح حاکمیت شرکتی با تغییر در سطح کیفیت سود در ارتباط است. ضمناً با استفاده از الزامات تحمیلی (مانند قوانین حاکمیت شرکتی) نمی توان سطح حاکمیت شرکتی را بهبود داد.
لارکر و همکاران ^{۲۸}	۲۰۰۷	حاکمیت شرکتی (۱) با تمام اقلام تعهدی اختیاری ارتباط یکسانی ندارد. (۲) ارتباط اندکی با تجدید ارائه سود دارد. (۳) توانایی اندکی برای توضیح عملکرد آینده و بازده آینده سهام برخوردار است.
هابر و براونستین ^{۲۹}	۲۰۰۸	رابطه معناداری بین رتبه کیفیت سود و حاکمیت شرکتی نیست.
جیانگ و همکاران ^{۳۰}	۲۰۰۸	حاکمیت شرکتی با قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری و سودهای جزئی ارتباط منفی معنادار دارد.
سیواراما و یو ^{۳۱}	۲۰۰۸	شرکتهایی که عملکرد بهتری در مقایسه با شرکتهای رقیب در صنعت داشته اند، صرف نظر از سطح ساختار حاکمیت شرکتی از کیفیت سود بیشتری برخوردارند.
جیانگ و آناندراجان ^{۳۲}	۲۰۰۹	حقوق سهامداران با کیفیت سود ارتباط مثبت دارد. اما این رابطه مثبت در مواقعی که سهامدار نهادی دیدگاه کوتاه مدت دارد، کمرنگ می شود.
گاریسالا و همکاران ^{۳۳}	۲۰۰۹	شرکتهای با ساختار حاکمیتی قویتر، از سطح محافظه کاری بیشتری برخوردارند.
پ) مطالعاتی که نقش وضع قوانین حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود را بررسی کرده اند.		
لوبو و ژو ^{۳۴}	۲۰۰۶	پس از وضع قانون سرینتز آکسلی، شرکتهای اقلام تعهدی اختیاری کمتری گزارش کرده اند. همچنین محافظه کاری در گزارشگری مالی پس از وضع قانون سرینتز آکسلی افزایش یافته است.

جدول شماره ۱: مطالعات در مورد پیرامون موضوع تحقیق (ادامه)

نویسندگان	سال	نتایج
ماچوگا و تیتل ^{۳۵}	۲۰۰۷	پس از وضع قانون حاکمیت شرکتی، کیفیت سود بهبود یافته است.
سیرلس و تیتل ^{۳۶}	۲۰۰۸	پس از وضع قانون سربینز آکسلی، شرکتها به گزارشگری سودهای باکیفیت تر اقدام نموده اند.
اسماعیل و همکاران ^{۳۷}	۲۰۰۹	اندازه هیئت مدیره و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت سود ارتباط مثبت معنادار دارد.
لیل ^{۳۸}	۲۰۰۹	قانون سربینز آکسلی اثر مشخصی بر کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس نداشته است. هزینه های قانون سربینز آکسلی از منافع آن در حوزه تصمیم گیری درخصوص پذیرش در بورس بیشتر بوده است.

روش شناسی تحقیق

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تشکیل می دهد. این جامعه در پایان سال ۱۳۸۸ دارای ۳۴۷ عضو است. همچنین قلمرو زمانی تحقیق، فاصله زمانی بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸، است که از داده های مربوط به دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ به منظور سنجش الگوهای کیفیت سود، و از داده های مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ برای بررسی رابطه بین کیفیت سود و حاکمیت شرکتی استفاده شده است. با توجه به دوره زمانی تحقیق و به منظور رویارویی با مشکل داده های اندک، سعی شد که شرکت های بیشتری در نمونه انتخابی جای گیرد تا از طریق تلفیق داده های سری زمانی و داده های مقطعی، مشکل داده های اندک برطرف شود؛ لذا این پژوهش از روش حذفی به منظور انتخاب نمونه استفاده کرد. البته نمونه انتخابی شامل شرکت هایی است که (۱) تاریخ پذیرش آنها در بورس قبل از سال ۱۳۷۶، و تا پایان سال ۱۳۸۸ نیز در فهرست شرکت های بورسی باشند. (۲) سال مالی آنها به پایان اسفند منتهی شود و در دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداده باشند. و (۳) در دوره مورد بررسی، توقف معاملاتی عمده نداشته باشند^{۳۹}. با در نظر گرفتن این شرایط، تعداد شرکت های نمونه به ۱۱۷ شرکت (در

مواردی که برای سنجش کیفیت سود از معیارهای پایداری سود، توان پیش‌بینی سود، کیفیت اقلام تعهدی و هموارسازی سود استفاده می‌شود) و ۱۰۶ شرکت (در مواردی که به منظور سنجش کیفیت سود از معیارهای ارتباط ارزشی سود بموقع بودن سود و محافظه‌کاری سود استفاده می‌شود). رسید.

اندازه‌گیری متغیرها و جمع‌آوری داده

متغیر وابسته در این تحقیق، کیفیت سود است. کیفیت سود یکی از اصطلاحات حسابداری است که تعاریف متعددی در خصوص آن ارائه شده است. بسیاری از پژوهشگران، کیفیت سود را نزدیکی سود گزارش شده به سود هیکسی (سود اقتصادی) تعریف کرده‌اند (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳)؛ به عبارت بهتر، هر اندازه سود حسابداری به سود اقتصادی نزدیکتر باشد، کیفیت آن بیشتر است. با توجه به دشواری تعریف عملیاتی کیفیت سود، پژوهشگران از معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری این متغیر استفاده کرده‌اند. در این تحقیق نیز این متغیر به هفت شیوه زیر عملیاتی شده است:

۱- **کیفیت اقلام تعهدی:** کیفیت اقلام تعهدی به کمک الگوی مک‌نیکولز^{۴۰} (۲۰۰۲) اندازه‌گیری شده است. معیار کیفیت اقلام تعهدی، انحراف معیار خطای باقیمانده این الگو بوده و کمتر بودن این عدد، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. الگوی مک‌نیکولز (۲۰۰۲) به صورت زیر است:

$$\Delta WC_t = b_0 + b_1 CFO_{t-1} + b_2 CFO_t + b_3 CFO_{t+1} + b_4 \Delta Sales_t + b_5 PPE_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

۲ و ۳- **پایداری سود و توان پیش‌بینی سود:** پایداری و توان پیش‌بینی سود به کمک الگوی شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) اندازه‌گیری شده است. معیار پایداری سود، ضریب شیب سودهای باوقفه، و بیشتر بودن آن، نشان‌دهنده کیفیت بیشتر سود است. همچنین معیار توان پیش‌بینی سود، ریشه واریانس خطای باقیمانده الگوی بوده و طبعاً کمتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. الگو شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) به صورت زیر است:

$$E_t = b_0 + b_1 E_{t-1} + \varepsilon_t \quad (2)$$

۴- هموارسازی سود: معیار هموارسازی سود برگرفته از مطالعه لئوز و همکاران^{۴۱} (۲۰۰۳) است. این معیار از طریق نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقدی عملیاتی اندازه گیری می شود، که هر دو بر اساس کل داراییها تعدیل شده است. کمتر بودن این نسبت، بیانگر هموارسازی بیشتر سود و در نتیجه کیفیت کمتر سود است.

۵- ارتباط ارزشی سود: ارتباط ارزشی سود از طریق الگوی رگرسیون بازده بر سود و تغییرات آن اندازه گیری شده است. معیار ارتباط ارزشی سود، توان توضیح دهنده الگو بوده و طبعاً بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. بیان نمادین این الگو به صورت زیر است:

$$RET_t = b_0 + b_1 E_t + b_2 \Delta E_t + \varepsilon_t \quad (3)$$

۶ و ۷. بموقع بودن سود و محافظه کاری سود: بموقع بودن و محافظه کاری سود با استفاده از الگوی بیسو^{۴۲} (۱۹۹۷) اندازه گیری شده است. معیار بموقع بودن، توان توضیح دهنده الگو بوده، و طبعاً بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. هم چنین معیار محافظه-کاری سود، نسبت ضریب اخبار بد به ضریب اخبار خوب در رگرسیون معکوس سود بر بازده (یعنی $[b_2 + b_3]/b_2$) بوده، و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. الگوی بیسو (۱۹۹۷) به صورت زیر است:

$$E_t = b_0 + b_1 NEG_t + b_2 RET_t + b_3 NEG_t . RET_t + \varepsilon_t \quad (4)$$

در این الگوها؛ ΔWC_t بیانگر تغییر در سرمایه در گردش سال t نسبت به سال قبل، E_t سود خالص سال t CFO_t جریان نقد عملیاتی سال t ، $\Delta Sales_t$ تغییر در فروش سال t نسبت به سال قبل، PPE_t اموال و ماشین آلات و تجهیزات برای سال t ، RET_t میانگین بازده سال t و ε_t خطای باقیمانده الگو برای سال t است. هم چنین در صورتی که RET_t از صفر کمتر باشد، NEG_t برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت NEG_t برابر با صفر است. داده های مربوط به متغیر کیفیت سود با مراجعه به صورتهای مالی شرکتها و نرم افزارهای موجود جمع آوری شد.

متغیر مستقل در این تحقیق، حاکمیت شرکتی است. از آنجا که این متغیر دربرگیرنده عوامل متعددی است و بررسی این عوامل به صورت جدا، تحلیل ناقصی از عوامل تعیین کننده کیفیت سود به دنبال دارد، لذا در این تحقیق از معیاری ترکیبی و چندبعدی، به منظور سنجش این متغیر استفاده شده است. در ادبیات موضوعی دلایل متعددی برای استفاده از یک معیار چندبعدی و ترکیبی برای اندازه گیری حاکمیت شرکتی ذکر شده که نمونه هایی از آن به قرار زیر است:

گومپرز و همکاران^{۴۳} (۲۰۰۳) معتقدند که حاکمیت شرکتی، سازه ای پیچیده است و هیچ عنصر حاکمیتی به تنهایی بیانگر این سازه بنیادی نیست. استفاده از شاخص ترکیبی و چندبعدی دارای این مزیت را دارد که به جای وارد کردن هر کدام از عوامل حاکمیتی در الگوی رگرسیون به عنوان متغیر جداگانه، تمامی این عوامل در قالب یک متغیر وارد الگو می شود. بیچوک و همکاران^{۴۴} (۲۰۰۸) دریافتند که حاکمیت شرکتی بین شرکت های مختلف و در حوزه حداکثرسازی ارزش، متفاوت است. آنها خاطرنشان می کنند آنچه برای یک شرکت بهینه است ممکن است برای شرکت دیگر بهینه نباشد. در زمینه بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود، تأکید بر ساختاری خاص، که ممکن است برای یک شرکت بهینه باشد و برای شرکت دیگر بهینه نباشد، می تواند به نتایج مبهم یا نامناسب بینجامد.

جیانگ و همکاران (۲۰۰۸) عنوان می کنند که بسیاری از ساختارهای حاکمیت شرکتی می تواند جایگزین و یا تکمیل کننده یکدیگر باشد؛ برای مثال می توان از بیشتر مدیران مستقل و مدیر عامل مستقل نام برد. ملاحظه می شود که با ترکیب این اجزا در قالب شاخص واحد از تکرار و دوباره کاری جلوگیری می شود. بوشمن و اسمیت^{۴۵} (۲۰۰۱) بیان می کنند که سود به خودی خود ساختار حاکمیت شرکتی است. آنها دریافتند که شرکتها در کنار توجه به یک سطح از کیفیت سود، فهرستی از ساختارهای حاکمیتی غیرسودی را نیز مدنظر قرار می دهند. آنها دریافتند که شرکت های با کیفیت سود نسبتاً کم، ممکن است

ساختارهای حاکمیت شرکتی قویتری را به کار گیرند تا از این طریق پرتفوی حاکمیت شرکتی خود را متوازن کنند و به سهامداران خود اطمینان بیشتری دهند.

در تعیین عوامل حاکمیت شرکتی در ایران، ابتدا شاخصها و رهنمودهایی موجود در زمینه تعیین شاخص ترکیبی و چندبعدی برای حاکمیت شرکتی مورد مطالعه قرار گرفت و پرسشنامه‌ای طراحی شد. این پرسشنامه در دو مرحله در اختیار خبرگان^{۴۶} قرار گرفت تا اجزای این متغیر متناسب با وضعیت محیطی ایران تعیین شد. براساس نظر خبرگان عوامل حاکمیت شرکتی در ایران هجده عامل تعیین شد که به قرار جدول (۲) است. پس از جمع‌آوری نظر خبرگان، داده‌های مربوط به این متغیر جمع‌آوری گردید^{۴۷}. در پایان نیز از روش شناسی کدگذاری و انباشت کدها به منظور عملیاتی کردن متغیر حاکمیت شرکتی استفاده شد^{۴۸}. براساس این متدولوژی به هر کدام از عوامل هجده گانه حاکمیت شرکتی، امتیاز صفر و یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده) اختصاص یافته هست که از جمع زدن این امتیازها، نمره حاکمیت شرکتی محاسبه می‌شود. در جدول شماره ۲ عوامل حاکمیت شرکتی در ایران بر اساس نظر خبرگان آورده شده است.

این مطالعه هم‌چنین از چهار متغیر کنترل اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام)، جریان نقد عملیاتی، اهرم مالی (نسبت کل بدهی به کل دارایی) و انتظارات رشد سودآوری آینده (نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن) استفاده کرد. در خصوص انتخاب متغیرهای کنترل، بررسی ادبیات موضوعی حکایت از این داشت که بیشترین متغیرهایی که می‌تواند بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود اثرگذار باشد، همین چهار متغیر است؛ بنابراین از آنها به عنوان متغیر کنترل استفاده شد. داده‌های مربوط به این متغیرها نیز با مراجعه به صورتهای مالی شرکتهای نمونه و اطلاعاتی‌های شرکت بورس جمع‌آوری شد.

جدول شماره ۲: عوامل حاکمیت شرکتی در ایران براساس نظر خبرگان

نام عامل	تعریف عملیاتی
استفاده از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره	بیشتر بودن نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا از نسبت محاسبه شده برای کل شرکتها، صفر و در غیر این صورت، یک
جدا کردن نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره	جدا نکردن نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره، صفر و در غیر این صورت، یک
ثبات مدیرعامل	تغییر مدیرعامل شرکت در دو سال گذشته، صفر و در غیر این صورت، یک
استفاده از متخصص - حسابداری و مالی	عدم استفاده از متخصص مالی و حسابداری در هیئت مدیره، صفر و در غیر این صورت، یک
استفاده از خدمات مشاوره تخصصی	عدم استفاده هیئت مدیره از خدمات مشاوره تخصصی، صفر و در غیر این صورت، یک
چرخش شرکای مؤسسه حسابرسی	عدم تغییر شریکان امضا کننده گزارش حسابرسی شرکت در دو سال گذشته، صفر و در غیر این صورت، یک
اندازه مؤسسه حسابرسی	کمتر بودن درآمد حسابرسی شرکت از متوسط درآمد مؤسسات عضو جامعه، صفر و در غیر این صورت، یک
تخصص حسابرسی در صنعت	عدم استفاده از حسابرسی متخصص صنعت، صفر و در غیر این صورت، یک (استفاده از معیار پالمرز، ۱۹۸۱)
بودن واحد حسابرسی داخلی	نبودن واحد حسابرسی داخلی، صفر و در غیر این صورت، یک
بودن سهامدار دارای حق کنترل	نبودن سهامدار دارای حق کنترل، صفر و در غیر این صورت، یک
تمرکز مالکیت	بیشتر بودن درصد سهام شناور آزاد شرکت از میانگین سهام شناور آزاد کل شرکتها، صفر و در غیر این صورت، یک
مالکیت یا سهامداری دولت	کمتر بودن درصد مالکیت دولت در شرکت از میانگین درصد کل شرکتها، صفر و در غیر این صورت، یک
معامله با اشخاص وابسته	بیشتر بودن نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش شرکت از میانگین کل شرکتها، صفر و در غیر این صورت، یک
بودن دعاوی قانونی علیه شرکت	وجود دعاوی قانونی علیه شرکت در سه سال گذشته، صفر و در غیر این صورت، یک
توان اتکا (تعدیلات سالانه)	وجود تعدیلات سنواتی خالص از مالیات، صفر و در غیر این صورت، یک
توان اتکا (اظهار نظر حسابرسی)	بودن اظهار نظر غیرمقبول، صفر و در غیر این صورت، یک
بودن وب سایت اینترنتی	نبودن وب سایت اینترنتی، صفر و در غیر این صورت، یک
زمانبندی تهیه اطلاعات	امتیاز اطلاع رسانی کمتر از پنجاه، صفر و در غیر این صورت، یک

نوع تحقیق

این تحقیق به رغم اینکه کاربردهایی برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع دارد، بر اساس هدف، تحقیق بنیادی است، و با توجه به چگونگی گردآوری داده، تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع همبستگی به شمار می‌رود.

روش آماری مورد استفاده در برآورد الگوها

برآورد الگوهای تحقیق در دو مرحله انجام شد: در مرحله نخست، الگوهای هفتگانه کیفیت سود با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی برآورد شد تا داده‌های موردنیاز به منظور بررسی رابطه بین کیفیت سود و حاکمیت شرکتی آماده شود. در مرحله دوم نیز از شیوه داده‌های تلفیقی به منظور بررسی رابطه بین کیفیت سود و حاکمیت شرکتی استفاده شد. تخمین الگوهای رگرسیون با داده‌های تلفیقی به فرضهای ما درباره عرض از مبدأ، ضرایب شیب و جمله خطای الگو بستگی دارد. با توجه به فرضهای مختلف در خصوص ضرایب الگوی رگرسیون، سه الگوی رایج برای تخمین این الگوها مطرح است که عبارت است از: الگوی تأثیرات مشترک، الگو اثرات ثابت و الگو تأثیرات تصادفی. به منظور انتخاب از بین الگوهای اثرات مشترک و ثابت از آزمون F لیمر و به منظور انتخاب از بین الگوهای اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. از جمله کارهای دیگر این تحقیق، بررسی فرضهای کلاسیک رگرسیون خطی است. مهمترین این فرضها، فرضهای عادی بودن توزیع اجزای اخلاص الگو، نبودن خودهمبستگی بین اجزای اخلاص، واریانس-همسانی و هم خطی مرکب بوده که از آزمونهای مناسب به منظور کشف این مشکلات و رفع آنها استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی داده‌ها

نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها حاکی است که میانگین تعداد اعضای هیئت‌مدیره شرکتهای نمونه ۵/۰۴ عضو است. میانگین نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای

هیئت‌مدیره ۵۹/۲ درصد است؛ یعنی به طور متوسط حدود ۳ عضو از اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های نمونه غیرموظف بوده‌اند. در ۹۸ درصد از شرکت‌های نمونه، نقش مدیر عامل از رئیس هیئت‌مدیره جدا است. حدود ۷۳/۵ درصد شرکت‌های نمونه در دو سال گذشته مدیر عامل خود را تغییر نداده‌اند. میانگین تعداد اعضای متخصص حسابداری و مالی هیئت‌مدیره برای کل شرکت‌های نمونه ۰/۶۷ عضو است. همچنین در ۵۱ درصد از شرکت‌های نمونه حداقل یک عضو هیئت‌مدیره دارای تخصص حسابداری و مالی وجود داشته است. اعضای هیئت‌مدیره حدود ۶۷/۵ درصد شرکت‌های نمونه از خدمات مشاوره تخصصی و حرفه‌ای استفاده کرده‌اند.

جدول شماره ۳: اندازه شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیر کیفیت سود

معیار کیفیت سود	میانگین	میانه	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
کیفیت اقلام تعهدی	۰/۰۲۱	۰/۰۱۰	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰۹	۰/۱۸۷
پایداری سود	۰/۶۲۹	۰/۶۶۰	۰/۴۸۱	-۱/۱۶۷	۲/۴۲۱
توان پیش‌بینی سود	۰/۰۳۰	۰/۰۱۲	۰/۰۵۳	۰/۰۰۰۲	۰/۳۶۹
هموارسازی سود	۰/۸۲۵	۰/۷۹۴	۰/۳۷۳	۰/۱۶۷	۲/۱۸۶
ارتباط ارزشی سود	۰/۳۱۱	۰/۲۷۴	۰/۲۲۷	۰/۰۷۲	۰/۸۹۰
بموقع بودن سود	۰/۳۴۳	۰/۳۱۰	۰/۲۰۱	۰/۱۰۰	۰/۹۲۶
محافظه‌کاری سود	-۱/۸۱۲	-۰/۵۴۵	۲۳/۰۲۳	-۱۲۱/۱۵	۹۴/۵۴

حدود ۱۷ درصد شرکت‌های نمونه در دو سال گذشته به تغییر شریکان امضا کننده گزارش حسابرسی خود اقدام کرده‌اند. حدود ۹۰ درصد شرکت‌های نمونه توسط مؤسسات حسابرسی با درآمدی بیشتر از میانگین درآمد مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی حسابرسی شده‌اند. حدود ۴۶ درصد شرکت‌های نمونه توسط مؤسسات حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده‌اند. همچنین حدود ۲۹ درصد شرکت‌های نمونه دارای واحد حسابرسی داخلی بوده‌اند. سهامدار عمده حدود ۱۴/۵ درصد شرکت‌های نمونه، اشخاص حقیقی (شرکت‌های خانوادگی) هستند. در سایر موارد، سهامدار عمده شخص حقوقی است.

میانگین درصد مالکیت سهامداران عمده حدود ۴۸ درصد است. همچنین در ۵۰ درصد موارد، سهامدار عمده، دارای حق کنترل است. میانگین درصد سهام شناور آزاد شرکتهای نمونه حدود ۲۹ درصد است. میانگین درصد مالکیت دولت در شرکتهای نمونه حدود ۲۷ درصد است.

میانگین نسبت مبلغ معامله با اشخاص وابسته به مبلغ فروش برای شرکتهای نمونه ۰/۴۵ است. حدود ۸۹ درصد از شرکتهای نمونه در سه سال گذشته فاقد دعاوی قانونی بوده‌اند. حدود ۳۵ درصد از شرکتهای نمونه در دوره مورد بررسی فاقد تعدیلات سالانه (خالص از مالیات) بوده‌اند. میانگین تعداد بندهای قبل از اظهارنظر گزارش حسابرسی برای شرکتهای نمونه ۱/۸۳ بند است. همچنین حدود ۳۲/۵ درصد از گزارشهای حسابرسی، مقبول و مابقی مشروط بوده‌اند. گزارش هیچیک از شرکتهای نمونه مردود و یا عدم اظهارنظر نبوده است. حدود ۳۸ درصد از شرکتهای نمونه دارای وبسایت اینترنتی بوده‌اند. همچنین حدود ۵۴ درصد از شرکتهای نمونه دارای امتیاز اطلاع رسانی بیشتر از ۵۰ بوده‌اند. اندازه شاخصهای آمار توصیفی برحسب معیارهای مختلف کیفیت سود در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: همبستگی بین شاخص حاکمیت شرکتی و معیارهای مختلف کیفیت سود							
ضریب همبستگی	کیفیت ارقام تعهدی	پایداری سود	قابلیت پیش‌بینی سود	هموارسازی سود	ارتباط ارزشی سود	به موقع بودن سود	محافظة کاری سود
حاکمیت شرکتی	-۰/۰۳۵	-۰/۰۴۵	-۰/۱۷۶	-۰/۰۸۲	۰/۰۳۳	-	-۰/۰۶۵

بررسی همبستگی بین متغیرهای حاکمیت شرکتی و کیفیت سود نیز حکایت از همبستگی مثبت بین حاکمیت شرکتی و معیار بموقع بودن سود دارد. همبستگی بین حاکمیت شرکتی و ۶ معیار دیگر کیفیت سود، منفی است. همبستگی منفی بین حاکمیت شرکتی و تعداد زیادی از معیارهای کیفیت سود می‌تواند بیانگر تأیید فرضیه توازن یا اطمینان (ارتباط منفی بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود) در محیط ایران باشد که در

آزمون فرضیه‌ها بیشتر به این مورد پرداخته خواهد شد. نتایج مربوط به همبستگی بین معیارهای کیفیت سود و شاخص حاکمیت شرکتی به شرح جدول شماره ۴ است.

تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، متغیر کیفیت سود به هفت شیوه عملیاتی شده است. نتایج ارتباط بین حاکمیت شرکتی و معیارهای کیفیت سود به شرح جدول (۵) است.

نتایج تحلیل حاکی است که حاکمیت شرکتی با معیارهای توان پیش‌بینی سود و بموقع بودن سود ارتباط مثبت معنادار دارد که این موضوع بیانگر تأیید فرضیه نظارت یا تطابق (ارتباط مثبت بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود) است. حاکمیت شرکتی با معیارهای کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، هموارسازی سود و محافظه‌کاری سود ارتباط منفی معنادار دارد که این موضوع بیانگر تأیید فرضیه توازن یا اطمینان (ارتباط منفی بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود) است. بین معیارهای پایداری سود و توان پیش‌بینی سود ارتباط منفی هست. این موضوع با تحلیل (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳) همخوانی دارد. در صورتی که انحراف معیار سری زمانی سود زیاد باشد، سودهای باثبات (پایدار)، توان پیش‌بینی زیادی نخواهد داشت. بنابراین سودهای باکیفیت (از دیدگاه پایداری سود)، ممکن است از دیدگاه توان پیش‌بینی (به عنوان یکی دیگر از معیارهای کیفیت سود)، باکیفیت قلمداد نگردند. یکی از علل وجود ارتباط منفی بین معیارهای پایداری سود و قابلیت پیش‌بینی سود، هموارسازی سود است. با توجه به ارتباط منفی بین حاکمیت شرکتی و معیار هموارسازی سود درمی‌یابیم که مدیران در راستای تأمین نیازهای سرمایه‌گذاران به هموارسازی سود اقدام می‌کنند. هموارسازی سود، پایداری سود را کاهش می‌دهد، تغییرپذیری سری زمانی را کاهش می‌دهد؛ اما از سوی دیگر توان پیش‌بینی را افزایش می‌دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که سود شرکت از دیدگاه پایداری، هموارسازی و کیفیت اقلام تعهدی، کم‌کیفیت قلمداد شده اما از دیدگاه توان پیش‌بینی، با کیفیت قلمداد می‌شود.

جدول شماره ۵: نتایج ارتباط بین حاکمیت شرکتی و معیارهای هفتگانه کیفیت سود

الگو	شرح	ضریب	آماره t	سطح معناداری	R^2	DW	آماره F
الگوی کیفیت اقلام تعهدی	عرض از مبدأ	-۰/۱۶۳	-۵/۰۷۷	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۱/۶۵۳	۸/۰۶۲
	متغیر مستقل	-۰/۰۰۰۷	-۲/۱۸۶	۰/۰۲۹			
	اندازه شرکت	۰/۰۰۶۶	۵/۶۱۰	۰/۰۰۰			
	اهرم مالی	۰/۰۱۲	۲/۱۴۱	۰/۰۳۳			
	جریان نقد	۰/۰۰۵	۰/۸۸۹	۰/۳۷۵			
	انتظارات رشد	-۰/۰۰۰۱	-۱/۶۰۸	۰/۱۰۹			
الگوی پایداری سود	عرض از مبدأ	-۱/۲۲۳	-۲/۰۲۴	۰/۰۴۴	۰/۲۳۷	۱/۵۷۲	۲۰/۵۱۴
	متغیر مستقل	-۰/۰۶۳	-۹/۷۵	۰/۰۰۰			
	اندازه شرکت	۰/۰۹۶	۴/۳۲۲	۰/۰۰۰			
	اهرم مالی	-۰/۰۲۲	-۰/۲۰۳	۰/۸۴۰			
	جریان نقد	-۰/۰۵۵	-۰/۵۰۰	۰/۶۱۷			
	انتظارات رشد	-۰/۰۰۰۴	-۰/۰۲۷	۰/۹۷۸			
الگوی توان پیش‌بینی سود	عرض از مبدأ	-۰/۱۷۰	-۳/۱۱۷	۰/۰۰۲	۰/۰۵۹	۲/۴۱۲	۴/۹۱۷
	متغیر مستقل	۰/۰۰۲	۳/۰۳۱	۰/۰۰۳			
	اندازه شرکت	۰/۰۰۸	۴/۰۴۵	۰/۰۰۰			
	اهرم مالی	-۰/۰۰۱	-۰/۱۵۶	۰/۸۷۶			
	جریان نقد	۰/۰۰۶	۰/۶۴۷	۰/۵۱۸			
	انتظارات رشد	-۰/۰۰۰۵	-۰/۰۳۷	۰/۹۷۰			
الگوی هموارسازی سود	عرض از مبدأ	۱/۹۴۹	۴/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۲۲۲	۱/۵۴۹	۱۸/۹۶۸
	متغیر مستقل	-۰/۰۴۴	-۹/۶۲۶	۰/۰۰۰			
	اندازه شرکت	-۰/۰۲۶	-۱/۵۰۷	۰/۱۳۳			
	اهرم مالی	۰/۰۳۵	۰/۴۶۰	۰/۶۴۶			
	جریان نقد	-۰/۰۳۷	-۰/۴۶۵	۰/۶۴۲			
	انتظارات رشد	۰/۰۰۱	۱/۲۵۱	۰/۲۱۲			

جدول شماره ۵: نتایج ارتباط بین حاکمیت شرکتی و معیارهای هشتگانه کیفیت سود (ادامه)

الگو	شرح	ضریب	آماره t	سطح معناداری	R^2	DW	آماره F
الگوی ارتباط ارزشی سود	عرض از مبدأ	۰/۳۹۸	۱/۰۶۹	۰/۲۸۶	۰/۰۰۵	۱/۳۹۰	۰/۳۰۸
	متغیر مستقل	۰/۰۰۳	۰/۵۲۰	۰/۶۰۴			
	اندازه شرکت	-۰/۰۰۴	-۰/۲۸۹	۰/۷۷۳			
	اهرم مالی	-۰/۰۸۸	-۱/۰۳۱	۰/۳۰۳			
	جریان نقد	-۰/۰۰۲	-۰/۰۲۷	۰/۹۷۸			
	انتظارات رشد	۰/۰۰۰۵	۰/۴۲۸	۰/۶۶۹			
الگوی بوموقع بودن سود	عرض از مبدأ	۰/۱۸۴	۰/۸۳۱	۰/۴۰۷	۰/۴۶۷	۱/۷۹۴	۵۲/۴۵
	متغیر مستقل	۰/۰۳۴	۱۶/۱۷۷	۰/۰۰۰			
	اندازه شرکت	-۰/۰۰۷	-۰/۸۲۶	۰/۴۰۹			
	اهرم مالی	-۰/۰۴۳	-۱/۲۵۴	۰/۲۱۱			
	جریان نقد	۰/۰۲۴	۰/۶۳۷	۰/۵۲۴			
	انتظارات رشد	۰/۰۰۰۳	۰/۶۳۳	۰/۵۲۷			
الگوی محافظه کاری سود	عرض از مبدأ	۳۹/۳۸	۱/۱۴۱	۰/۲۵۵	۰/۱۸۱	۱/۶۳۳	۱۳/۹۸
	متغیر مستقل	-۳/۲۹۳	-۸/۴۷	۰/۰۰۰			
	اندازه شرکت	-۰/۱۵۴	-۰/۱۲۳	۰/۹۰۲			
	اهرم مالی	۳/۰۲۹	۰/۴۶۶	۰/۶۴۱			
	جریان نقد	-۸/۳۰۸	-۱/۲۳۷	۰/۲۱۷			
	انتظارات رشد	۰/۰۲۱	۰/۲۳۳	۰/۸۱۶			

حاکمیت شرکتی با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد که در این خصوص هیچ کدام از فرضیه‌های رقیب مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. نبودن ارتباط معنادار بین حاکمیت شرکتی و ارتباط ارزشی سود را می‌توان به هموارسازی سود ربط داد. سودهای هموار شده توانایی توضیح بازده را ندارد (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷) و در نتیجه ارتباط معناداری بین حاکمیت شرکتی و ارتباط ارزشی سود نیست. از ارتباط منفی بین حاکمیت شرکتی و محافظه کاری سود و همچنین ارتباط منفی بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی

سود درمی‌یابیم که مدیران از روشهای افزایش سود به منظور هموارسازی سود استفاده کرده‌اند. البته نیتکین (۲۰۰۷) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که شرکت‌های با ساختار حاکمیتی بهتر با احتمال بیشتری به هموارسازی سود (از نوع کاهش در سود) اقدام می‌کنند که این موضوع به گزارشگری محافظه‌کارانه سود منجر می‌شود. این تجزیه و تحلیلها حکایت از عدم تأیید فرضیه نخست تحقیق دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل در سطح عوامل حاکمیت شرکتی بیانگر این است که هیچکدام از مؤلفه‌های هجده‌گانه حاکمیت شرکتی با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد. از بین عوامل حاکمیت شرکتی، چهار عامل (جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، اندازه مؤسسه حسابرسی، تمرکز مالکیت و سهامداری دولت) با هیچ کدام از معیارهای هفتگانه کیفیت سود ارتباط معناداری ندارد. از بین عوامل حاکمیت شرکتی دو عامل معامله با اشخاص وابسته و توان اتکا (تعدیلات سالانه) بیشترین ارتباط را با معیارهای کیفیت سود دارد.

مقایسه توان توضیح دهندگی الگوها نیز حکایت دارد که توان توضیح دهندگی الگوی بموقع بودن سود از بقیه الگوها بیشتر است؛ به عبارت دیگر از بین معیارهای هفتگانه کیفیت سود، معیار بموقع بودن سود بیشترین ارتباط را با شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی دارد. پس از این الگو، الگوهای هموارسازی سود، پایداری سود، محافظه‌کاری سود، کیفیت ارقام تعهدی و توان پیش‌بینی سود در رتبه‌های بعدی (به لحاظ توان توضیح دهندگی) قرار دارد. همچنین الگوی ارتباط ارزشی سود با شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی ارتباط معناداری ندارد. این نتیجه حکایت از تأیید فرضیه دوم تحقیق دارد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود که آیا شرکت‌های دارای ساختارهای حاکمیتی قویتر از کیفیت سود بیشتری برخوردارند. در راستای پاسخ به این سؤال، دو فرضیه رقیب (فرضیه نظارت یا تطابق و فرضیه توازن یا اطمینان) معرفی شد. در

باب عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش نیز متغیر حاکمیت شرکتی از دیدگاهی چندبعدی و ترکیبی، و متغیر کیفیت سود نیز از هفت زاویه مختلف اندازه گیری شد.

نتایج نشان داد که رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود چندبعدی است؛ به عبارت دیگر هر کدام از معیارهای کیفیت سود از زاویه‌ای خاص به این موضوع می‌پردازد که نتایج آنها بعضاً ضد و نقیض است. لذا مستقیماً نمی‌توان یکی از دو فرضیه رقیب در مورد ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود تأیید کرد. از سوی دیگر بودن رابطه منفی بین حاکمیت شرکتی و چهار معیار کیفیت سود مبین این موضوع است که شرکت‌های با کیفیت سود کم، به دستکاری عوامل حاکمیت شرکتی خود اقدام می‌کنند تا موجبات اطمینان بخشی به سهامداران و جلب نظر اعتباردهندگان را فراهم کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که فرضیه توازن یا اطمینان در محیط ایران درخصوص بیشتر معیارهای کیفیت سود توان تأیید دارد. نیتکین (۲۰۰۷) نیز به نتیجه‌ای مشابه دست یافته بود.

نتایج تحلیل‌های اضافی بیانگر این است که اگر به جای استفاده از شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی از عوامل این شاخص (به صورت تکی) استفاده شود، باز هم به روابطی دست خواهیم یافت که در سطح شاخص ترکیبی وجود داشت با این تفاوت که توان توضیح دهنده‌گی الگوها نسبت به قبل کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد. دلیل این امر نیز این است که هر یک از عوامل حاکمیت شرکتی در مقایسه با شاخص ترکیبی، جامعیت لازم را ندارد؛ لذا کاهش توان توضیح دهنده‌گی الگوها طبیعی به نظر می‌رسد.

نتایج تحلیل صنعت نیز نشان می‌دهد که توان توضیح دهنده‌گی الگوها در صنایع مختلف در مقایسه با توان توضیح دهنده‌گی آنها در سطح کل شرکت‌های نمونه به طور نسبی افزایش یافته است. دلیل این امر را می‌توان به همگن بودن شرکت‌های حاضر در یک صنعت نسبت داد؛ اما از نظر نوع رابطه (معناداری یا عدم معناداری)، نمی‌توان گفت که روابط موجود در سطح کل شرکت‌های نمونه با روابط در صنایع مختلف همخوانی دارد. هم‌چنین توان توضیح دهنده‌گی الگوهای کیفیت سود در صنایع مختلف، متفاوت از سطح کل شرکت‌هاست.

محدودیت‌های تحقیق

مهمترین محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- بخشی از داده‌های پژوهش براساس طراحی یک پرسشنامه و فرستادن آن برای خبرگان جمع‌آوری شده است. به‌رغم توجه به روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری داده، اظهارنظر در خصوص صحت نتایج (محدودیت ذاتی پرسشنامه) باید با احتیاط صورت گیرد.
- ۲- در عملیاتی کردن متغیر حاکمیت شرکتی به تمام عوامل وزن یکسانی اختصاص یافت. با توجه به اینکه برخی شرکتها در برخی زمینه‌های حاکمیت شرکتی قویتر هستند، وزن‌دهی عوامل می‌تواند به نتایجی متفاوت با نتایج ارائه شده منجر شود.
- ۳- در تعیین برخی از عوامل حاکمیت شرکتی در ایران، صرفاً به وجود آنها توجه شد این در حالی است که توجه به اثربخشی آن عوامل می‌تواند نتایج مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد.

پیشنهاها

براساس نتایج تحقیق، می‌توان پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه کرد:

- ۱- با توجه به رابطه منفی بین بسیاری از معیارهای کیفیت سود و حاکمیت شرکتی، مشخص شد که سطح بالاتر حاکمیت شرکتی در نتیجه مجموعه‌ای از الزامات خاص به-دست نمی‌آید بلکه دستکاری عوامل حاکمیت شرکتی عاملی مهمتر است. بر این اساس به افرادی که قصد ارزیابی کیفیت سود شرکتها را دارند پیشنهاد می‌شود که به این موضوع توجه کنند.
- ۲- در این تحقیق، عوامل حاکمیت شرکتی در ایران براساس نظر خبرگان تعیین شد. به نهادهای تدوین‌کننده مقررات حاکمیت شرکتی (از جمله سازمان بورس، شرکت بورس، بانک مرکزی و ...) پیشنهاد می‌شود که در تدوین مقررات مربوط به عوامل مشخص شده در این مطالعه توجه کنند. هم‌چنین به این نهادها توصیه می‌شود که در تدوین آیین‌نامه‌های مربوط بیشتر به محتوا و اثربخشی مؤلفه‌ها و نه فقط شکل آنها توجه کنند.

۳- به پژوهشگرانی که قصد استفاده از متغیر حاکمیت شرکتی در مطالعات خود را دارند، پیشنهاد می‌شود که از شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی و نه عوامل آن (به صورت تکی) استفاده کنند؛ زیرا حاکمیت شرکتی دربرگیرنده عوامل متعددی است و بررسی این عوامل به صورت جدا، تحلیل ناقصی از موضوع مورد بررسی به دنبال خواهد داشت. هم-چنین با توجه به نتایج تحقیق به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در انتخاب معیار کیفیت سود، دقت لازم به عمل آید.

۴- در ادامه این تحقیق، موضوعات زیر برای پژوهشهای آینده پیشنهاد می‌شود:
 الف) ارائه الگوی جامع برای اندازه‌گیری کیفیت سود که دربرگیرنده زوایای مختلف این سازه باشد و ارتباط آن با شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی.
 ب) استفاده از رویکرد مبتنی بر وزن‌دهی به منظور تعیین امتیاز حاکمیت شرکتی
 پ) ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با توجه به تغییر در سطح حاکمیت شرکتی

یادداشتها

- | | |
|--|---|
| 1- Schipper, and Vincent | 2. Joseph, Fan and Wong |
| 3. Beekes, Popeand Young | 4. Hamilton, Ruddock, Stokes and Taylor |
| 5. Lin, Li, and Yang | 6. Wang |
| 7. Niu | 8. Pergola |
| 9. Kim and Yi | 10. Burns and Kedia |
| 11. Srinidhi and Gul | 12. Ahmed and Duellman |
| 13. Hashim and Devi | 14. Doyle, Ge and McVay |
| 15. Gul, Srinidhi and Tsui | 16. Krishnan and Parsons |
| 17. Ge, Matsumoto and Zhang | 18. Geiger and North |
| 19. Francis, Huang, Rajgopal and Zang | |
| 20. Mayoral and Sanchez-Segura | |
| 21. LaFond and Roychowdhury | 22. Katz |
| 23. Machuga and Teitel | 24. Pergola, Joseph and Jenzarli |
| 25. Suh | 26. Dey |
| 27. Nitkin | 28. Larcker Richardson and Tuna |
| 29. Haber and Braunstein | 30. Jiang Lee and Anandarajan |
| 31. Sivaramakrishnan and Yu | 32. Jiang and Anandarajan |
| 33. García Lara, García Osma and Penalva | |
| 34. Lobo and Zhou | 35. Machuga and Teitel |
| 36. Searle and Teitel | 37. Ismail, Dunstan and Zijl, |

38- Lail

۳۹- در تعیین توقف معاملاتی عمده سهام از معیارهای مختلف استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال در برخی مطالعات به سالی یکبار، هر شش ماه یکبار، ماهانه یکبار، هفته‌ای یکبار و هر روز اشاره شده است. با توجه به دوره زمانی سیزده ساله تحقیق، پیدا کردن شرکت‌هایی که سهام معامله شده آنها بصورت روزانه، هفتگی یا ماهانه معامله شده باشد، بسیار دشوار است و این موضوع به کاهش حجم شرکت‌های نمونه منجر می‌شود. بنابراین در این مطالعه از مبنای ۵۰ معامله در سال استفاده شد تا از یکسو تعداد شرکت‌های نمونه کاهش نیابد و از سوی دیگر عدد محاسبه شده برای بازده و قیمت از توان اتکای بیشتری برخوردار باشد.

40- McNichols

41- Leuz, Nanda and Wysocki

42- Basu

43- Gompers, Ishii and Metrick

44- Bebchuk, Cohen and Ferrel

45- Bushman and Smith

۴۶- افراد خبره در این مطالعه شامل الف) استادان حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌های داخلی و دانشجویان مقطع دکتری این رشته‌ها، ب) کارشناسان بازار سرمایه (شامل کارشناسان سازمان بورس، شرکت بورس، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و...)، پ) حساب‌برسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (مدیران رده‌های اجرایی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس هستند. در مرحله اول ۳۰ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شد. پس از بررسی توان اعتماد و اعتبار پرسشنامه (آلفای کرونباخ ۷۶ درصد) و استفاده از آزمون مقایسه میانگین، ۲۷ عامل حاکمیت شرکتی انتخاب شد. در مرحله دوم نیز ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شد که بررسی توان اعتماد و اعتبار آن (آلفای کرونباخ ۸۲ درصد) و استفاده از آزمون مقایسه میانگین به انتخاب هیجده عامل حاکمیت شرکتی منجر شد.

۴۷- بخشی از داده‌های مربوط به متغیر حاکمیت شرکتی از طریق مراجعه به صورتهای مالی شرکت‌ها و گزارش هیئت‌مدیره آنها جمع‌آوری شد. بخشی دیگر از داده‌های هم با استفاده از اطلاعاتی‌های سازمان بورس، شرکت بورس و انجمن حسابداران رسمی ایران گردآوری شد. به منظور جمع‌آوری بقیه داده‌های مربوط به این متغیر نیز یک فرم خلاصه اطلاعات طراحی، و برای مدیران مالی شرکت‌های نمونه فرستاده شد تا پس از تکمیل، برگشت دهند.

۴۸- استفاده از متدولوژی کدگذاری و انباشت کدها برای عملیاتی کردن متغیر حاکمیت شرکتی در مطالعات زیادی مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه گومپرز و همکاران (۲۰۰۳)، نیتکین (۲۰۰۷)، جیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، جیانگ و آناندراجان (۲۰۰۹)، گارسیالارا و همکاران (۲۰۰۹) و ... اشاره کرد.

منابع و مأخذ

- آقایی، محمدعلی و چالاکی، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، سال اول، ش ۴، ص ۷۷-۵۴.
- بادآور نهندي، یونس؛ برادران، رسول و محمودزاده، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین برخی مکانیزمهای نظام راهبری شرکتهای و محافظه کاری در گزارشگری مالی. *تحقیقات حسابداری*، سال سوم، ش ۹، ص ۱۵۴-۱۳۰.
- ستایش، محمدحسین؛ قربانی، اصغر و گل محمدی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، سال دوم، ش ۷، ص ۵۱-۳۴.
- فروغی، داریوش و احمدی، نوشین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ترکیب سهامداران و کیفیت اقلام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۰۳-۹۰.
- کرمی، غلامرضا؛ حسینی، سیدعلی و حسنی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ساز و کارهای نظام راهبری شرکت و محافظه کاری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، سال دوم، ش ۷، ص ۹۹-۸۶.
- مرادزاده فرد، مهدی؛ ناظمی، مهدی؛ غلامی، رضا و فرزانی، حجت. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۶، ش ۵۵، ص ۹۸-۸۵.
- مشایخ، شهناز و اسماعیلی، مریم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از اصول راهبری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ش ۴۵، ص ۴۴-۲۵.
- نصرالهی، زهرا و عارف منش، زهره. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین مالکیت و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، سال اول، ش ۳، ص ۱۳۸-۱۱۷.
- Ahmed, A. and Duellman, S. (2007). Accounting Conservatism and Board of Director Characteristics: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 43 , pp. 411-437.
- Basu S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 24, pp. 3-37.

- Bebchuk, L., Cohen, A. and Ferrel, A. (2008). What matters in corporate governance? *The Review of Financial Studies*, Vol 27, pp. 1-45.
- Beekes, W., Pope, F. and Young, S. (2004). The Link between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board Composition: Evidence from the UK. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 12, pp. 47-51.
- Burns, N. and Kedia, S. (2006). The Impact of Performance-based Compensation on Misreporting. *Journal of Financial Economics*, Vol 79, pp. 35-67.
- Bushman, R. and Smith, A. (2001). Financial Accounting Information and Corporate Governance. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 32, pp. 237-333.
- Dey, A. (2005). Corporate Governance and Financial Reporting Credibility. *Working Paper*, Northwestern University, Kellogg School of Management, Evanston, Illinois.
- Doyle, J., Ge, W. and McVay, S. (2007). Accruals Quality and Internal Control over Financial Reporting. *The Accounting Review*, Vol 82, pp. 1141-1170.
- Francis, J., Huang, A., Rajgopal, S. and Zang, A. (2008). CEO Reputation and Earnings Quality. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25, pp. 109-147.
- García Lara, J., García Osma, B. and Penalva, F. (2009). Accounting Conservatism and Corporate Governance. *Review of Accounting Studies*, Vol. 14, pp. 161-201.
- Ge, W., Matsumoto, D. and Zhang, J. (2008). Do CFOs Have Styles of Their Own? An Empirical Investigation of the Effect of Individual CFOs on Financial Reporting Practices. *Working paper*, Michael G. Foster School of Business, University of Washington.
- Geiger, M. and North, D. (2006). Does Hiring a New CFO Change Things? An Investigation of Changes in Discretionary Accruals. *The Accounting Review*, Vol 81, pp. 781-809.
- Gompers, P., Ishii, J. and Metrick, A. (2003). Corporate Governance and Equity Prices. *Quarterly Journal of Economics*, Vol 118, pp. 107-155.
- Gul, F., Srinidhi, B. and Tsui, J. (2007). Do Female Directors Enhance Corporate Board Monitoring? Some Evidence from Earnings Quality. *Working Paper*, The Hong Kong Polytechnic University.
- Haber, J. and Braunstein, A. (2008). Earnings Quality Ratings and Corporate Governance: A Comparison of Two Models. *The Journal of Theoretical Accounting Research*, Vol 3(2), Accounting & Tax Periodicals, pp. 44-56.

- Hamilton, J., Ruddock, C., Stokes, D. and Taylor, S. (2005). Audit Partner Rotation, Earnings Quality and Earnings Conservatism. *Working Paper*, School of Accounting, University of New South Wales, Australia.
- Hashim, H. and Devi, S. (2007). Corporate Governance, Ownership Structure and Earnings Quality: Malaysian Evidence. *Working Paper*, Faculty of Management and Economics, University Malaysia Terengganu (UMT), Malaysia.
- Ismail, W., Dunstan, K. and Zijl, T. (2009). Earnings Quality and Corporate Governance Following the Implementation of Malaysian Code of Corporate Governance. School of Accounting and Commercial Law, Victoria University of Wellington, Wellington, New Zealand, *Available at* <http://ssrn.com/abstract=1543524>.
- Jiang, W., Lee, P. and Anandarajan, A. (2008). The Association between Corporate Governance and Earnings Quality: Further Evidence Using the GOV-Score. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 24, pp. 191-201.
- Jiang, W. and Anandarajan, A. (2009). Shareholder Rights, Corporate Governance and Earnings Quality: The Influence of Institutional Investors. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 24 (8), pp. 767-791.
- Joseph, P. Fan, and Wong, T. (2002). Corporate Ownership Structure and the Informativeness of Accounting Earnings in East Asia. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 33, pp. 401-425.
- Katz, S. (2008). Earnings Quality and Ownership Structure: The Role of Private Equity Sponsors. *Working Paper*, Harvard Business School, Boston.
- Kim, J. and Yi, C. (2006). Ownership Structure, Business Group Affiliation, Listing Status, and Earnings Management: Evidence from Korea. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 23, pp. 427-464.
- Krishnan, G. and Parsons, L. (2008). Getting to the Bottom Line: An Exploration of Gender and Earnings Quality. *Journal of Business Ethics*, Vol. 78, pp. 65-76.
- LaFond, R. and Roychowdhury, S. (2008). Managerial Ownership and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, Vol 46, pp. 101-135.
- Lail, B. (2009). The Impact of Sarbanes-Oxley on Earnings Quality and the Cross-Listing Decision. *Unpublished PhD Dissertation*, University of Oklahoma, Graduate College, UMI Number: 3352821.
- Larcker, D., Richardson, S. and Tuna, I. (2007). Corporate Governance, Accounting Outcomes, and Organizational Performance. *The Accounting Review*, Vol 82, pp. 963-1008.

- Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P. (2003). Earning Management and Investor Protection: an International Comparison. *Journal of Financial Economics*, Vol. 69, pp. 505-527.
- Lin, J., Li, J. and Yang, J. (2006). The Effect of Audit Committee Performance on Earnings Quality. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 21(9), pp. 921-933.
- Lobo, G. and Zhou, Z. (2006). Did Conservatism in Financial Reporting Increase after the Sarbanes Oxley Act? Initial Evidence. *Accounting Horizons*, Vol. 20 (1), pp. 57-73.
- Machuga, S. and Teitel, k. (2007). The Effects of the Mexican Corporate Governance Code on Quality of Earnings and Its Components. *Journal of International Accounting Research*, Vol. 6 (1), pp.37-55.
- Machuga, S. and Teitel, k. (2009). Board of Director Characteristics and Earnings Quality Surrounding Implementation of A Corporate Governance Code in Mexico. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 18(1), pp.1-13.
- Mayoral, J. and Sanchez-Segura, A. (2008). Corporate Governance and Earnings Quality: Evidence from Spanish Companies. *PC-SAR*, Vol. 11(1), pp. 67-100.
- McNichols, M. (2002). Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, Vol 77 (supplementary), pp. 61-69.
- Nitkin, M. (2007). An Investigation of the Association between Governance Quality and Accrual-based Earnings Quality. *Unpublished PhD Dissertation*, Boston University, School of Management, UMI Number: 3240635.
- Niu F. (2006). Corporate Governance and the Quality of Accounting Earnings: A Canadian Perspective. *International Journal of Managerial Finance*, Vol. 2(4), pp. 302-327.
- Pergola, T. (2006). Management Entrenchment, Corporate Governance, and Earnings Quality. *Unpublished PhD Dissertation*, Nova Southwestern University, School of Business and Entrepreneurship, UMI Number: 3217980.
- Pergola, T., Joseph, G. and Jenzarli, A. (2009). Effects of Corporate Governance and Board Equity Ownership on Earnings Quality. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, Vol 13(4) , pp. 87-114.
- Schipper, K. and Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, Vol. 17 (supplement) pp. 97-110.
- Searles, M. and Teitel, K. (2008). The Effects of the Sarbanes-Oxley Act of 2002 on Earnings Quality. *Working Paper*, Department of Economics

- Honors Program, The College of the Holy Cross, Worcester, Massachusetts.
- Sivaramakrishnan, K. and Yu, S. (2008). On the Association between Corporate Governance and Earnings Quality. *Working Paper*, Available at: <http://ssrn.com/abstract=1014243>.
 - Srinidhi, B. and Gul, F. (2007). The Differential Effects of Auditors' Nonaudit and Audit Fees on Accrual Quality. *Contemporary Accounting Research*, Vol 24, pp . 595-629.
 - Suh, S. (2009). The Characteristics of a Classified Board and the Effects of the Board on Earnings Quality, Accounting Conservatism, and Credit Risk. *Unpublished PhD Dissertation*, Graduate School of Syracuse University, UMI Number: 3385860.
 - Wang, D. (2006). Founding Family Ownership and Earnings Quality. *Journal of Accounting Research*, Vol 44 (3), pp. 619-656.

Archive of SID

Archive of SID